

ثبات اقتصاد کلان در رویکرد اقتصاد مقاومتی

محمد اخباری*، صدیقه قلی‌زاده**

چکیده

دستیابی به ثبات اقتصادی پایدار و مقاوم ساختن اقتصاد از آثار سوء شوک‌های مثبت و منفی یکی از اولویت‌های اصلی سیاستگذاران اقتصادی است. بی‌ثباتی اقتصاد کلان موجب نااطمینانی فعالان اقتصادی از تحولات آینده می‌شود که بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی تأثیر منفی خواهد گذاشت. از این رو ثبات اقتصاد کلان از طریق کاهش قابل توجه نااطمینانی و پیشبرد برنامه‌ریزی بلندمدت، کمک بسیاری به رشد اقتصاد می‌نماید. با توجه به اعمال تحریم‌های بین‌المللی بر اقتصاد ایران و آثار منفی بی‌ثباتی اقتصاد کلان، اتخاذ راهکارهایی در جهت مواجهه با آن و بازگرداندن اقتصاد به مسیر رشد بلندمدت از اهمیت بسیاری برخوردار است. یکی از راهکارهای اساسی، به‌کارگیری رویکرد اقتصاد مقاومتی در طراحی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی است که در این مقاله مفهوم سیستم ترکیبی ارائه می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و دستیابی به نتایج آن، مستلزم برنامه‌ریزی در یک مسیر بلندمدت، هماهنگی تمام بخش‌ها و دستگاه‌ها و افزایش کارایی اقتصادی است. لیکن، اقتصاد ایران با مشکلات ساختاری و زیربنایی نیز مواجه است که می‌توان از طریق نهادهای فعال و هنجارهای عاملان اقتصادی، ارزش‌ها و رفتارهایی همچون حس اعتماد، حس تعلق به اجتماع و ارزشمند بودن فرهنگ کار و تلاش در حوزه‌های مولد را تقویت نمود و به نتایج قابل توجهی دست یافت.

واژگان کلیدی: ثبات اقتصاد کلان، اقتصاد مقاومتی، سیستم ترکیبی، اقتصاد ایران.

طبقه‌بندی JEL : P48, E58, B52

m.akhbari@cbi.ir

* معاون اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی

** محقق دایره طراحی الگوهای اقتصادی معاون اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی

gholizadeh@cbi.ir

۱. مقدمه

دستیابی به ثبات اقتصادی پایدار و همچنین مقاوم ساختن اقتصاد از آثار سوء شوک‌های مثبت و منفی یکی از اولویت‌های اصلی سیاستگذاران است. اقتصاد ایران نیز با توجه به وابستگی بالای آن به درآمدهای نفتی از ساختار شکننده‌ای برخوردار است، به‌گونه‌ای که وقوع شوک‌های مرتبط با نوسانات رو به پایین قیمت نفت، تحریم فروش نفت، تحریم‌های مرتبط با انتقال منابع ارزی حاصل از صادرات نفت و جزاینها، در صورت عدم اتخاذ سیاست‌های متناسب و اجرای آنها، می‌تواند عوارض قابل توجهی را برای اقتصاد کشور به همراه داشته باشد. البته سیاستگذاران اقتصادی همواره در برهه‌های مختلف زمانی برنامه‌ریزی‌های متعدد و بسته‌های سیاستی ارائه و اجرا نموده‌اند که برخی نتایج مورد انتظار و هدف‌گذاری شده از آنها به‌دست نیامده است. این ناکامی را می‌توان به درک نادرست از سیاستگذاری‌ها و عدم رعایت پیش‌نیازها، الزامات و بایسته‌های سیاست‌ها نسبت داد. همچنین، ارائه تعریفی کلی از رویکردهای جدید اقتصادی و نبود ارتباط بین لایه‌های مختلف مفاهیم و برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته از دلایل دیگر دست نیافتن به نتایج مورد انتظار است. از این‌رو، بررسی دقیق و جزئی مفهوم اقتصاد مقاومتی، حصول درک و استنباط مشترک و درست از آن و فراهم نمودن مقدمات اجرای اقتصاد مقاومتی در موفقیت این طرح ضروری است. بر این اساس، در این مقاله مفهوم سیستمی از اقتصاد مقاومتی ارائه می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در رویکرد سیستم ترکیبی^۱، تحلیل یکپارچه‌ای از زیربخش‌های مختلف و شیوه تعامل بین آنها معرفی می‌شود.

یک سیستم ترکیبی به‌صورت بخش‌های متعدد وابسته به هم (سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) تعریف می‌شود که بر اساس عملکرد هر بخش، کل سیستم قابل پیش‌بینی نیست، اما با بررسی تعامل بین بخش‌ها می‌توان وضعیت کل سیستم را بررسی و پیش‌بینی نمود. رویکرد سیستم ترکیبی به‌جای بررسی رابطه علت و معلولی خطی، به بررسی رفتار عوامل در پاسخ به شوک‌ها و یا عوامل تنش‌زا می‌پردازد.^۲

1. A Complex Systems Approach

2. Bujones, et al. (2013).

با توجه به چنین ساختاری، در بخش بعدی مفهوم مقاومت مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین، از آنجا که هدف اصلی حرکت در راستای اقتصاد مقاومتی، ثبات بخشی به اقتصاد کلان معرفی می‌شود، در بخش سوم بدان پرداخته می‌شود. در بخش چهارم به تعدادی از مطالعات انجام شده در حوزه اقتصاد مقاومتی و اقتصاد کلان اشاره شده و در بخش پنجم، زیرسیستم اقتصادی مقاومت بررسی می‌شود و در بخش پایانی، جمع‌بندی بیان خواهد شد.

۲. تجزیه و تحلیل جامع و فراگیر مقاومت

تمام کشورها با ریسک‌های اقتصادی، زیست محیطی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی مواجه می‌شوند که بسیاری از آنها چالش‌های پیچیده‌ای هستند و برخی علت اصلی آنها قابل پیگیری نیست. برای درک بهتر ریسک‌ها و توانایی ارائه یک پاسخ مناسب به شوک‌ها، مفهومی به عنوان مقاومت تعریف شده است. مقاومت، توانایی مردم، خانوارها، اجتماع، کشورها و سیستم‌ها برای کاهش اثرات شوک‌ها، سازگاری و بهبود شرایط است و به دنبال کاهش آسیب‌پذیری‌های مداوم و کمک به رشد و توسعه است. این مفهوم به دنبال تقویت توانایی‌های جامعه، گروه‌های اجتماعی و نهادها برای مقاومت یا مواجهه بهتر با شوک‌ها و فشارهای مختلف است. از این رو یافته‌های این پژوهش، به چگونگی مداخله در وضعیت‌های آسیب‌دیده و شکننده برای خروج از موقعیت‌های بحرانی کمک خواهد کرد.^۱

از رویکردهای مطرح در بررسی مفهوم مقاومت، رویکرد سیستم ترکیبی است. این رویکرد، تحلیل یکپارچه از زیربخش‌های مختلف و شیوه تعامل بین هر یک از آنهاست. در یک سیستم ترکیبی، زیربخش‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی به هم پیوسته‌اند و شوک در یک زیربخش در زیربخش‌های دیگر نیز اثر خواهد گذاشت. در این ساختار به این نکته توجه می‌شود که چطور نهادها^۲، منابع^۳ و تسهیل‌کننده‌های تطبیقی^۴ از طریق اثرگذاری بر حلقه بازخورد مثبت و منفی شوک‌های وارده بر سیستم، به مقاومت جامعه کمک می‌کنند. حلقه‌های بازخوردی، ویژگی

1. USAID. (2012).

2. Institutions

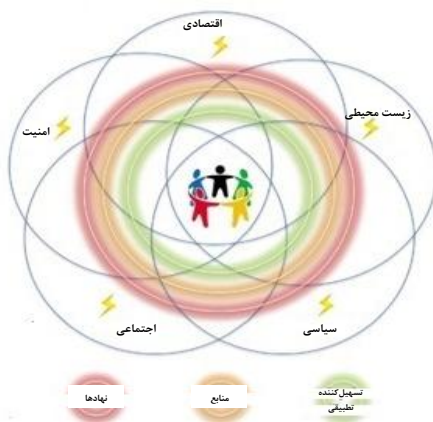
3. Resources

4. Adaptive Facilitators

سیستم‌های ترکیبی هستند که در آن خروجی بر ورودی اثر می‌گذارد. حلقه بازخوردی منفی زمانی ایجاد می‌شود که یک ورودی (نهاده)، حلقه منفی از پیامدها بسازد. برای مثال، کشمکش‌ها می‌تواند خشونت‌ی ایجاد کند که به نابودی منابع اقتصادی و سپس، تشدید کشمکش‌های اولیه منجر شود. حلقه‌های بازخوردی مثبت خلاف این هستند. به عنوان نمونه همکاری، سختی‌های اقتصادی را کم می‌کند و به نوبه خود موجب تقویت روابط و همکاری‌های بعدی می‌شود. این ساختار، روابط بین زیربخش‌ها و چگونگی اثرگذاری آنها بر مقاومت را بررسی می‌کند.^۱

شکل ۱ نشان می‌دهد که شوک‌ها و عوامل تنش‌زا چگونه بر سیستم ترکیبی و جوامع موجود در آن اثر می‌گذارند. در مرکز این تصویر، جامعه وجود دارد که گروهی از افراد تشکیل شده است که ویژگی‌های مشابهی دارند و به نسبت یکسانی در معرض شوک‌ها و عوامل تنش‌زا قرار می‌گیرند. این جامعه با هر یک از این زیربخش‌ها در ارتباط است و هر یک از این زیربخش‌ها شوک‌ها و عوامل تنش‌زای منحصر به فردی دارند.

شکل ۱. رویکرد سیستم ترکیبی تحلیل مقاومت



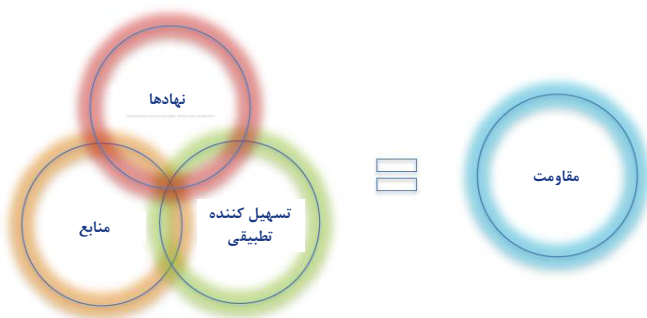
همپوشانی دایره‌ها در زیربخش‌ها نشان می‌دهد که زیربخش‌ها به یک روش پیچیده غیرخطی و به هم مرتبط‌اند. یک شوک در یک زیربخش ممکن است در زیربخش‌های دیگر نیز شوک ایجاد کند و

1. Hmelo-Silver and Azevedo. (2006).

در نهایت شوک‌ها می‌توانند به مأخذ اصلی شوک برگردند. برای مثال، شوک زیست محیطی، ممکن است به شوک اقتصادی در بخش‌های متکی به منابع اقتصادی منجر شود. اگر جامعه نتواند در مقابل شوک اقتصادی مقاومت کند، ممکن است از طریق شیوع جرم و جنایت یا درگیری‌های خشونت‌آمیز در سیستم امنیتی جامعه شوک ایجاد کند.

سه حلقه در پایین شکل ۱ شامل نهادها، منابع و تسهیل‌کننده‌های تطبیقی هستند. این نمودار از سه دسته و ده عامل در درون آن تشکیل شده است که جامعه را از شوک‌های مختلف در هر زیربخش جدا می‌کند. درست همانند عایق یک خانه، این عوامل به جوامع کمک می‌کنند تا در مقابل شوک‌ها مقاومت نمایند و به وضعیت پیش از شوک‌ها برگردند. این عوامل مقاومتی از حلقه‌های بازخوردی منفی که به وسیله شوک‌ها در سیستم پیچیده ایجاد می‌شوند، جلوگیری می‌کنند و حلقه‌های بازخوردی مثبت را ایجاد و دائمی می‌کنند تا سازگاری و بهبودی را افزایش دهند. در ادامه به معرفی دقیق‌تر این حلقه پرداخته می‌شود (شکل ۲).^۱

شکل ۲. حلقه‌های تحلیل مقاومت



1. Bujones, et al. (2013).

۱-۲. نهادها

در هر کشوری، نهادهای رسمی و غیررسمی بر زندگی مردم حاکم بوده و روابط انسانی را شکل می‌دهند. نهادها می‌توانند رسمی و از بدنه دولت باشند که قوانین و مقررات مدیریت جامعه را تشکیل می‌دهند؛ یا غیررسمی باشند و قواعد و ساختارهای جامعه غیردولتی را تنظیم کنند. نهادهای غیررسمی در کشورهای آسیب‌پذیر با اهمیت هستند؛ چون در این کشورها این نهادها جایگزین نهادهای رسمی شده و یا به‌طور همزمان با نهادهای رسمی فعالیت می‌کنند. در خصوص نهادها دو مبحث اثربخشی و مشروعیت نهادها اهمیت دارد. با وجود نهادهای ناکارا، کل سیستم تضعیف شده و در مقابل شوک‌ها مقاومت کمتری خواهد داشت. مشروعیت نهادی نیز پذیرش مردم در برابر قواعد و مقررات نهادها را نشان می‌دهد. جامعه در مقابل نهادهای نامشروع مقاومت می‌کند که به تضعیف و شکست نهادها به‌ویژه در زمان شوک‌ها منجر خواهد شد.^۱

۲-۲. منابع

منابع را می‌توان به صورت اشیا، شرایط، ویژگی‌ها و انرژی‌هایی مطرح کرد که از نظر مردم دارای ارزش هستند و طیف گسترده‌ای را در برمی‌گیرد. این طیف، بیمارستان‌ها و خدمات درمانی، آب و غذا، انسجام اجتماعی، ثروت اقتصادی، رهبری، سطح آموزش، ارزش‌های اخلاقی و جزاینها را شامل می‌شود. چهار جزء در دسترس بودن، کارایی، تنوع و مازاد (اضافه) منابع برای اندازه‌گیری قدرت منابع به کار می‌رود. در دسترس بودن، وجود منابع و دستیابی دولت و جوامع به آن و کارایی، توانایی منابع برای عمل در یک سطح معینی از ظرفیت و کیفیت تعریف می‌شود. ظرفیت بالا و عملکرد باکیفیت منابع به مقاومت کمک می‌کند و قدرت جامعه را در مقابل شوک‌ها بهبود می‌بخشد. یک جامعه با تنوع منابع، با گزینه‌های مختلفی در راستای تکمیل عملکردها مواجه خواهد بود. همچنین، مازاد (اضافه) منابع، مقدار منابع موجود برای انجام یک فعالیت خاص را اندازه‌گیری و به مقاومت یک جامعه

1. De Weijer. (2013).

کمک می‌کند. جامعه یا کشوری که منابع مختلفی در اختیار دارد، می‌تواند در برابر شوک‌هایی که ظرفیت منابع را کاهش می‌دهند، بر گزینه‌های مختلفی تکیه کند.^۱

۲-۳. تسهیل‌کننده‌های تطبیقی

تسهیل‌کننده‌های تطبیقی عناصر نامحسوس سرمایه اجتماعی و الگوهایی هستند که محیط مناسبی برای نهادها و منابع فراهم می‌کنند تا اثرات شوک‌ها را کاهش داده و پس از وقوع شوک‌ها جهش بهتری داشته باشند. اهمیت و قدرت هر یک از این تسهیل‌کننده‌ها با توجه به شرایط مختلف متفاوت است، اما هر یک در ایجاد محیطی که قابلیت تطبیق، همکاری، نوآوری و پاسخگویی داشته باشد، مهم هستند. این تسهیل‌کننده‌ها در چهار بخش "شبکه‌ها"، "نگرش‌ها/ رفتارها/ ارزش‌ها/هنجارها"، "نوآوری" و "حافظه نهادی" قابل بررسی و شناسایی هستند.^۲

شبکه‌ها، گروه‌هایی را در جامعه و بین نهادهای دولتی و اجتماع ایجاد می‌کنند که هرچه اتصال بین گروه‌های اجتماعی بیشتر باشد، بهتر در مقابل شوک‌ها مقاومت کرده و پس از وقوع شوک‌ها بهبود می‌یابند. نگرش‌ها و رفتارهای مردم بر نهادها، منابع و ظرفیت تعدیل کل سیستم اثر می‌گذارد. برای مثال، نگرش و فرهنگ‌های خاص ممکن است ظرفیت سازگاری افراد، نهادها و کل سیستم را کاهش دهد و سیستم را در مقابل تغییرات مقاوم‌تر سازد. در سمت دیگر تسهیل‌کننده‌ها، نوآوری قرار دارد که توانایی یادگیری یک جامعه از تجربیات خود و انطباق رفتار به‌منظور پاسخ بهتر به شوک‌ها در آینده را نشان می‌دهد. نوآوری، فرصت تفکر انتقادی را برای افراد، نهادها و جوامع ایجاد می‌کند و به آنها اجازه به چالش کشیدن ساختارهای موجود و خلق ایده‌های جدید برای یک جهش بهتر را می‌دهد.^۳ بخش آخر به حافظه نهادی تعلق دارد که مبتنی بر تجربه‌های انباشته و دانش محلی است که به‌واسطه یک گروه از مردم به اشتراک گذاشته می‌شود. حافظه نهادی به نهادها کمک می‌کند تا در مقابل وقایع گذشته سازگار شوند و تغییر یابند.

1. Longstaff, et al. (2013).

2. Ibid

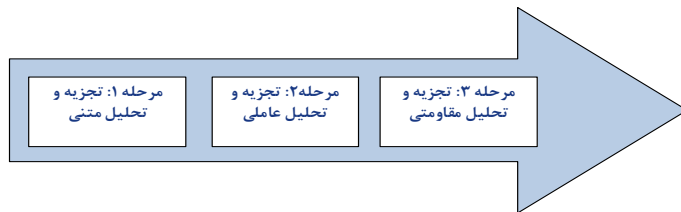
3. De Weijer. (2013).

در ادامه پس از معرفی حلقه‌های مفهوم مقاومت، مراحل تجزیه و تحلیل مقاومت جامعه معرفی می‌شود. سه مرحله برای تجزیه و تحلیل مقاومت جامعه و در مفهوم کلی‌تر کشور ضروری است. نخستین گام، تجزیه و تحلیل متنی یا محتوایی^۱ است. تجزیه و تحلیل محتوایی، تاریخ یک کشور، بازیگران اصلی، ساختارها و جوامع را برای تعیین واکنش‌های متفاوت آنها در مقابل شوک‌ها بررسی می‌کند و حوزه‌های پژوهشی برای تجزیه و تحلیل‌های عاملی بعدی را شناسایی می‌کند. این رویکرد موجب می‌شود تا یک موضوع در جایگاه تاریخی و فرهنگی آن ارزیابی شود.

دومین گام، تجزیه و تحلیل عاملی^۲ است که عملکرد نهادها، قانونی بودن آنها، در دسترس بودن، کارایی، تنوع و فراوانی منابع و همچنین تسهیل‌کننده‌های تطبیقی به عنوان شبکه‌ها، ارزش‌ها، قواعد، رفتارها، نوآوری و حافظه نهادی بررسی می‌شود.

گام سوم به تجزیه و تحلیل مقاومت می‌پردازد و بر این اساس هر دو تجزیه و تحلیل متنی و عاملی را ترکیب می‌کند. این ساختار، چگونگی قرارگرفتن جامعه در مقابل شوک‌ها و توانایی جامعه برای کاهش اثرات، سازگاری و بهبود شرایط را ارزیابی می‌کند.^۳ در این بررسی با در نظر گرفتن ضمنی چنین چارچوبی، مباحث ارائه شده‌اند.

شکل ۳. سه مرحله تجزیه و تحلیل مقاومت

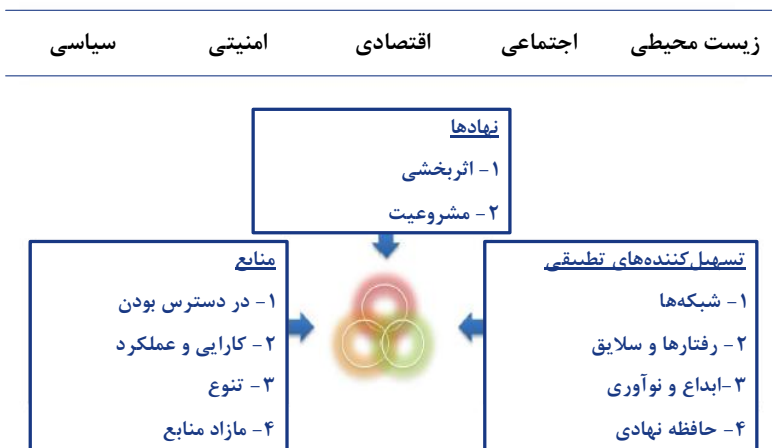


بنابراین، با توجه به آنچه که گفته شد، در بررسی و تحلیل مفهوم مقاومت بایستی به تمام و ابعاد زیرسیستم‌های یک جامعه توجه کرد و با توجه به دیدگاه جامع و کلان در سطح اجتماع به

1. Analysis Contextual
 2. Factor Analysis
 3. Bujones, et al. (2013).

برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و غیراقتصادی در مواجهه با شوک‌ها و وضعیت‌های آسیب‌زا پرداخت (شکل ۴). در دو بخش بعدی مقاله، پس از بیان ضرورت اتخاذ اقتصاد مقاومتی در شرایط بی‌ثباتی اقتصادی به مطالعات تجربی انجام شده در این حوزه پرداخته می‌شود. سپس، در دو بخش انتهایی، صرفاً به تجزیه و تحلیل مقاومت از جایگاه زیرسیستم اقتصادی پرداخته می‌شود و سعی بر بررسی دقیق‌تر نهادها، منابع و تسهیل‌کننده‌های تطبیقی از منظر اقتصادی به‌ویژه اقتصاد ایران است.

شکل ۴. عوامل عمده تجزیه و تحلیل زیرسیستم‌ها



۳. بی‌ثباتی‌های اقتصاد کلان و ضرورت اتخاذ رویکرد اقتصاد مقاومتی

واژه بی‌ثباتی^۱ در متون اقتصادی مفهوم وسیعی را در بر می‌گیرد که هم تکانه‌های ناشی از شوک‌ها را شامل می‌شود و هم تغییرات غیرمتعارف برخی متغیرهای اقتصادی مانند نرخ تورم، کسری بودجه، نرخ ارز و رابطه مبادله را در بر می‌گیرد. در مقالات مختلف، وقوع شوک‌ها و بحران‌های اقتصادی، نوسان‌ها و انحرافات متغیرهای اقتصادی، عدم امنیت اقتصادی و موارد دیگر به عنوان بی‌ثباتی اقتصادی مطرح شده‌اند.

1. Instability

بی‌ثباتی اقتصاد کلان موجب نااطمینانی فعالان اقتصادی نسبت به تحولات آینده خواهد شد و در نتیجه، فعالان اقتصادی نمی‌توانند چشم‌انداز روشن و شفاف‌تری از آینده ترسیم نمایند. این امر به‌ویژه در سرمایه‌گذاری تأثیر منفی خواهد گذاشت. از این رو ثبات اقتصاد کلان از طریق کاهش قابل توجه نااطمینانی و پیشبرد برنامه‌های بلندمدت، کمک بسیاری به رشد پایدار اقتصادی می‌نماید.^۱ در بررسی عوامل و دلایل بی‌ثباتی اقتصاد کلان چند نظریه مطرح شده است که از مهم‌ترین آنها دیدگاه کینزی، پولی، ادوار تجاری حقیقی و نیوکینزین‌هاست.^۲

مطابق با دیدگاه کینزی بی‌ثباتی در اقتصاد کلان از دو عامل ناشی می‌شود؛ تغییر شدید در مخارج سرمایه‌گذاری که موجب تغییر در تقاضای کل می‌شود و دیگری شوک‌های وارد بر عرضه است که عرضه کل را تغییر می‌دهد. پولیون، بیان می‌کنند سیاست پولی نامناسب، اصلی‌ترین عامل بی‌ثباتی اقتصاد کلان است. افزایش در عرضه پول، تقاضای کل را افزایش خواهد داد و در شرایط اشتغال کامل، سطح عمومی قیمت‌ها را بالا می‌برد. گروهی از کلاسیک‌های جدید، علت بی‌ثباتی اقتصاد کلان را ادوار تجاری می‌دانند که به‌وسیله عوامل حقیقی ایجاد شده و عرضه کل را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این نظریه، نوسانات از تغییرات معنادار در تکنولوژی و منابع در دسترس ناشی می‌شوند و بر بهره‌وری و روند بلندمدت عرضه کل اثر می‌گذارند. بر اساس دیدگاه نیوکینزین‌ها، شکست در هماهنگی^۳ به‌عنوان عامل بروز بی‌ثباتی کلان اقتصاد مطرح می‌شود. بر اساس این نظریه، بی‌ثباتی اقتصادی زمانی رخ می‌دهد که خانوارها و بنگاه‌ها به دلیل نبود راهی برای هماهنگی عملکردشان نتوانند به یک تعادل دوجانبه سودمند دست یابند. بر این اساس، بی‌ثباتی به معنای حرکت از یک وضعیت تعادلی به وضعیت دیگری است که بر اساس انتظارات جامعه ایجاد شده است.^۴ اما ثبات اقتصاد کلان زمانی وجود خواهد داشت که متغیرهای کلیدی اقتصاد مانند تقاضای کل و تولید، درآمد دولت و مخارج، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و تراز پرداخت‌ها در تعادل نسبی باشند. ولی یک حد آستانه‌ای برای هر متغیر در

۱. دهقان منشادی و پوررحیم. (۱۳۹۲).

2 . Sameti, et al. (2012).

3 . Coordination Failures

4 . Disputes Over Macro Theory and Policy. (2014).

ثبات یا بی‌ثباتی وجود ندارد، بلکه ترکیبی از متغیرهای کلیدی اقتصاد مفهوم بی‌ثباتی را نشان می‌دهند. مجموعه متغیرهایی مانند نرخ تورم، رشد اقتصادی، کسری بودجه، حجم ذخایر بین‌المللی، سیالیت نقدینگی و نظایر آن بی‌ثباتی اقتصاد کلان را نشان خواهند داد. برای مثال، ترکیبی از کسری حساب جاری شدید که از استقراض کوتاه‌مدت تأمین مالی می‌شود، سطح بالا و رو به رشد بدهی عمومی، نرخ تورم دو رقمی و کاهش رشد اقتصادی، یک اقتصاد بی‌ثبات را نشان می‌دهد.^۱

نتایج مطالعات اقتصادی^۲ نشان می‌دهند، بی‌ثباتی اقتصاد کلان با رشد اقتصادی پایین همراه است. بدون ثبات اقتصاد کلان، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و منابع سرمایه‌ای از کشور خارج می‌شوند. در واقع، مدل‌های سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری خصوصی علاوه بر تأثیرپذیری از رشد گذشته اقتصاد، نرخ بهره واقعی و اعتبار بخش خصوصی، به‌طور منفی از نااطمینانی و بی‌ثباتی اقتصاد کلان اثر می‌پذیرد. بنابراین، ثبات/اقتصاد کلان، اساس موفقیت توسعه اقتصادی است.^۳

رشد پایین اقتصادی در کنار جنبه‌های دیگر بی‌ثباتی اقتصادی کلان بر گروه‌های فقیر جامعه فشار اضافی وارد می‌کند. تورم، مالیاتی است که به صورت نامتناسب بر گروه‌های کم‌درآمد جامعه تحمیل می‌شود؛ چون تورم ارزش واقعی دستمزدها و دارایی‌های گروه‌های کم‌درآمد را نسبت به گروه‌های پردرآمد بیشتر کاهش می‌دهد. افزون بر این، تورم مانعی برای رشد اقتصادی است. همچنین، رشد پایین تولید که معمولاً با بی‌ثباتی نیز همراه است، اثرات بلندمدتی بر فقر دارد؛ پدیده‌ای که از آن با عنوان برگشت‌ناپذیری^۴ یاد می‌شود. این پدیده معمولاً به صورت شوک سرمایه اجتماعی در فقرا خود را نشان می‌دهد.^۱

1. Devarajan, et al. (1997).

۲. پیرایی و دادور (۱۳۹۰)، Jokipii and Monnin (2012)، Sirimaneetham, Gerry, Lee and Mickiewicz (2008) و Fischer (1993) و Frenkel and Kahn (1990)، Temple and Jonathan (2009)

3. Easterly and Kraay. (1999).

۴. Hysteresis: در نظام‌های اقتصادی نشانه‌هایی از "برگشت‌ناپذیری" قابل مشاهده است. با این وجود، موضوع "برگشت‌ناپذیری" بیشتر در مباحث بازار کار مطرح بوده است. در موقع بروز رکود اقتصادی و افزایش بیکاری، بخشی از نیروی کار اقتصاد به علت دوری از محیط کار، مهارت‌های فنی خود را از دست می‌دهند. این امر باعث می‌شود که در مراحل برگشت اقتصاد به مسیر رونق، این بخش از نیروی کار از دستیابی به فرصت‌های شغلی پیشین محروم شود. "برگشت‌ناپذیری" در توضیح عملکرد ضعیف بازار کار و تعدادی از کشورها در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد. در این چارچوب، صرف افزایش رشد

برخی دیگر از اقتصاددانان بر این اعتقادند که بی‌ثباتی اقتصاد کلان، تشکیل سرمایه و در نتیجه رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. نظریه‌های سازگار با این نظریه بر اثرات مضر بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر سرمایه‌گذاری خصوصی و بهره‌وری متمرکز می‌شوند.

بی‌ثباتی اقتصاد کلان علاوه بر اینکه بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی اثر می‌گذارد، بر سرمایه‌گذاری دولتی نیز مؤثر است؛ درحالی که افزایش نااطمینانی اصلی‌ترین عامل کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است، کاهش توانایی مالی دولت، اصلی‌ترین دلیل کاهش سرمایه‌گذاری دولتی است. افزایش در بی‌ثباتی اقتصاد کلان، با توجه به محدودیت‌های بودجه‌ای دولت به تنگناهای مالی دولت منجر می‌شود.^۲

با توجه به ابعاد منفی قابل توجه بی‌ثباتی اقتصاد کلان، اتخاذ راهکارهایی در جهت مواجهه با علل ایجاد آن و نیز در صورت عدم امکان پیشگیری از وقوع عوامل، اتخاذ رویکردهایی در جهت بازگرداندن اقتصاد به مسیر رشد بلندمدت آن از اهمیت فراوانی برخوردار است. یکی از راهکارهای اساسی، به‌کارگیری رویکرد اقتصاد مقاومتی در طراحی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی است.

۴. مطالعات تجربی

بریگوگلیو^۳ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای به ایجاد مقاومت‌سازی اقتصاد^۴ در کشورهای کوچک آسیب‌پذیر پرداخته است. مطابق با این مقاله اقتصادهای کوچک قادر به ایجاد مقاومت اقتصادی برای خنثی کردن آسیب‌پذیری‌های اقتصادشان هستند. این آسیب‌پذیری به شرایط ذاتی اقتصاد در مواجهه با شوک‌های خارجی ارتباط می‌یابد. اقتصادهای کوچک با درجه بالای بازبودن اقتصاد و وابستگی به واردات کالاهای استراتژیک همچون غذا و سوخت مشخص شده‌اند که شاخص آسیب‌پذیری اقتصاد را نشان می‌دهند.

اقتصادی نمی‌تواند نرخ بیکاری را کاهش دهد و لازم است برای مقابله با بیکاری، برنامه‌های آموزش مناسب به نیروی کار برای حفظ مهارت‌های فنی ارائه شود.

1. Behrman, et al. (1999).
2. Ismihan, et al. (2005).
3. Briguglio
4. Economic Resilience

مطابق با بررسی‌ها، اقتصادهای کوچک نسبت به اقتصادهای بزرگ بیشتر در معرض شوک‌های خارجی هستند؛ ولی کشورهایی نیز وجود دارند که به‌رغم مواجهه با شوک‌های خارجی از درآمد سرانه بالایی برخوردارند؛ سنگاپور نمونه‌ای از کشور کوچک آسیب‌پذیر با عملکرد موفقیت‌آمیز است. این تناقض با وجود مقاوم‌سازی اقتصادی در این کشور قابل توضیح است. گزینه‌های سیاستی برای مقاوم‌سازی وجود دارد که سیاستگذاران و بخش خصوصی اقتصاد با وارد کردن آن در ساختار و برنامه‌ریزی‌های ملی، جامعه را به‌منظور حداقل کردن آثار منفی شوک‌ها و یا افزایش مقاومت جامعه در برابر شوک‌های خارجی تقویت می‌کنند. مقاوم‌سازی اقتصادی از طریق مداخلات درست برای تأمین رویکردهای سیاستی مناسب به‌واسطه چهار حوزه ثبات اقتصاد کلان، کارایی بازار خرد اقتصاد، حاکمیت خوب و توسعه اجتماعی قابل دستیابی است.

دایلی و همکاران^۱ (۲۰۱۰) در دو بخش به بحث توسعه منطقه‌ای و محلی در مفهوم مقاومت پرداخته‌اند. ابتدا با انتقاد از مفهوم تعادل ایستای مقاومت، پیشرفت‌های رویکرد مقاومت پویا در حوزه منطقه‌ای و محلی بررسی شد. سپس، شکاف بین مقاومت و دستورات سیاستی، از طریق مفاهیم توانایی سازگاری، ظرفیت تطابق و خلق مسیرهای جدید در مقاومت در مناطق درحال توسعه تجزیه و تحلیل شد. در انتها با یک مطالعه موردی، به نقش مداخلات سیاستی در ایجاد تغییر و شکل‌گیری مقاومت پرداخته شد.

هیل و همکاران^۲ (۲۰۰۸) به بررسی و معرفی مفاهیم مقاوم‌سازی اقتصادی منطقه‌ای^۳ می‌پردازند. در این مقاله، چهار مفهوم تعادل، مسیر وابستگی، چشم‌انداز سیستمی و بلندمدت در شناساندن مفهوم مقاومت بررسی شده است. سپس، با استفاده از این تعاریف، روش کیفی و کمی را ارائه می‌کنند تا به عملیاتی کردن مفاهیم و ارزیابی عوامل مؤثر بر مقاومت اقتصادی منطقه‌ای بپردازند. به بیان دیگر، برای توسعه تعریف عملیاتی کردن مفاهیم کمی، از مفهوم تعادل شروع می‌کنند و به بخش مقاومت در مسیر سیستمی هدایت می‌شوند. مناطق مقاوم و غیرمقاوم با

1. Dawley, et al.

2. Hill, et al.

3. Regional Economic Resilience

بررسی عملکرد اقتصادی آن منطقه در یک دوره زمانی قابل شناسایی است؛ ولی متغیرهایی نیز برای اندازه‌گیری مقاومت‌سازی اقتصادی وجود دارند، از جمله تعداد سال‌های سپری شده برای بازگشت به مسیر رشد پیش از بروز شوک، درصد اشتغال از دست رفته در مقایسه با یک دوره استاندارد و یا مقیاس‌های دیگری که رابطه بین عملکرد اقتصادی پس از وقوع شوک و اندازه شوک را بررسی می‌کند.

دوآل و همکاران^۱ (۲۰۰۷) به بررسی سیاست‌های ساختاری و مقاومت اقتصاد به شوک‌ها در کشورهای OECD پرداختند. نوسان چرخه‌ای در این گروه کشورها با گذشت زمان تعدیل شده، اما اندازه و پویایی این نوسان در کشورهای OECD متفاوت بوده که این ناهمگنی به درجه متفاوت مقاومت به شوک‌ها نسبت داده می‌شود. در این مقاله، واگرایی در مقاومت، به سیاست‌گذاری‌های متفاوت و نهادهای مختلف در حوزه نیروی کار، تولید و بازارهای مالی در این گروه کشورها ربط می‌یابد. در این مقاله، با استفاده از داده‌های ۲۰ کشور عضو OECD در سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۸۲ اثر جایگاه سیاست‌گذاری بر دو بُعد مقاومت یعنی اثر اولیه شوک و پایداری متعاقب آن بررسی شده است. سیاست‌ها و نهادهای مقاوم و غیرمنعطف در بازار نیروی کار و تولید اثر اولیه شوک‌ها را تضعیف می‌کند، اما اثر شوک‌ها را پایداری می‌سازند؛ ولی سیاست‌هایی که بر بازارهای رهنی عمیق‌تر^۲ (مانند وام‌های مسکن) تأکید می‌کنند، پایداری شوک‌ها را کاهش داده و مقاومت را بهبود می‌بخشند. با ترکیب این دو بُعد مقاومت و بر مبنای سیاست‌های جاری یا اخیر کشورهای OECD، از معادلات برآورد شده برای ساخت شاخص مقاومت استفاده شد.

کوتیس و کاپل^۳ (۲۰۰۵) نیز به بررسی الگوهای چرخه‌های تجاری در کشورهای OECD پرداختند. مطابق با بررسی آنها، انعطاف‌پذیری بازارهای مالی عامل کلیدی در افزایش مقاومت در این گروه از کشورها معرفی شده است.

1. Duval, et al.

2. Deep Mortgage Markets

3. Cotis and Coppel

۵. بررسی اقتصاد مقاومتی از جایگاه زیرسیستم اقتصادی

زیرسیستم اقتصادی به ثروت و منابع یک کشور یا منطقه به‌ویژه از نظر مصرف و تولید کالاها و خدمات مربوط می‌شود. این زیرسیستم، بازیگران و نهادهای کلیدی اقتصاد در هر دو بخش خرد و کلان از کشاورز و خرده‌فروش تا نهادهای نظارتی و بانک‌های مرکزی را شامل می‌شود. زیرسیستم اقتصادی در درجه نخست به عوامل مؤثر بر سطح معیشت پایدار^۱ توجه می‌کند که به صورت تأمین نیازهای اولیه زندگی به‌گونه‌ای که در بلندمدت پایدار باشد، تعریف می‌شود. مقاومت در زیرسیستم اقتصادی به توانایی مردم برای کاهش، تعدیل و بازیابی خود از شوک‌های اقتصادی و عوامل تنش‌زا که سطح معیشت آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ارتباط می‌یابد. اقتصاد ایران نیز در ادوار مختلف، شوک‌های اقتصادی نظیر موارد زیر را تجربه نموده است:

- انحراف از سازوکار بازار^۲ به دلیل اعمال مقررات جدید و تعرفه‌ها و یا تحریم‌های بین‌المللی،
- جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران،
- بحران بدهی خارجی کشور ناشی از کاهش قیمت نفت و کاهش ذخایر خارجی کشور،
- قحطی ناشی از خشکسالی،
- کاهش قیمت‌های جهانی نفت خام،
- شوک ناشی از اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها.

این عوامل تنش‌زا در صورت در نظر نگرفتن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ریسک آسیب‌پذیری اقتصاد هنگام مواجهه با شوک‌ها را افزایش می‌دهند. ضمن توجه به عوامل تنش‌زا در تحلیل اقتصاد مقاومتی بایستی سه دسته از عوامل مقاومت را نیز مد نظر قرار داد. این عوامل به جوامع کمک می‌کنند تا در مقابل شوک‌ها مقاومت نمایند و به وضعیت پیش از شوک‌ها بازگشت نمایند. در ادامه به معرفی دقیق‌تر این عوامل و حلقه‌ها از نقطه‌نظر اقتصادی پرداخته می‌شود.^۳

1. Sustainable Livelihoods
 2. Market Disruptions
 3. Hmelo-Silver and Azevedo. (2006).

۵-۱. نهادها

نهادها عامل کلیدی برای مقاومت زیربخش‌های اقتصادی هستند. نه تنها وجود نهادهای کارآمد با اهمیت است، اثربخشی و مشروع بودن^۱ آن نیز برای مقاومت زیربخش‌ها مهم است. اثربخشی نهادهای اقتصادی به واسطه توانایی در اجرای یک نقش اقتصادی مفید تعیین می‌شود. در تجزیه و تحلیل اولیه بایستی مشخص شود چه نهادهایی برای معیشت جوامع مهم هستند. سپس، بایستی نقش ایده‌آل (آرمانی) این نهادها در اقتصاد و وظیفه آنها در افزایش مقاومت اقتصادی مشخص شود. برای مثال، نهادهای مالی^۲ نه تنها نقش اساسی در فعالیتهای اقتصادی دارند، نقش مهمی نیز در مقاومت در برابر شوک‌های اقتصادی دارند. به عنوان مثال، در مواقع بروز شوک‌های اقتصادی و یا محیطی مانند بروز خشکسالی، سیل و بلایای طبیعی دیگر، وجود نهادهای اعتباری^۳ رسمی یا غیررسمی به کشاورزان و گروه‌های آسیب‌دیده کمک می‌کند تا از طریق تأمین مالی، بخشی از کاهش جریان درآمدی را جبران نمایند.

مشروعیت^۴ نهادهای اقتصادی با اهمیت است و به کارایی آنها نیز ارتباط می‌یابد. نهادهای اقتصادی نامشروع^۵ نه تنها به رسمیت شناخته نمی‌شوند، بلکه مقاومت اقتصادی جامعه را نیز کاهش می‌دهند. این نهادها توسط جامعه کنار گذاشته می‌شوند و موجب وابستگی جامعه به نهادهای غیررسمی با کارایی کمتر و در نتیجه، کاهش مقاومت اقتصادی می‌شوند.^۶ رواج بازار سیاه مثالی از این نوع نهادها هستند.

۵-۲. منابع

از جمله موارد مرتبط با منابع در مبحث اقتصاد مقاومتی علاوه بر منابع پولی می‌توان به شبکه‌های حمایت مالی دولت،^۷ اطلاعات، زیرساخت‌ها، بودجه‌های دولت و آموزش و پرورش نیز اشاره کرد. نکته با اهمیت در تجزیه و تحلیل مقاومت، بررسی چگونگی مقاومت منابع اقتصادی در مقابل شوک‌ها،

1. Effectiveness and Legitimacy
2. Financial Institutions
3. Credit Institutions
4. Legitimacy
5. Illegitimate Economic Institutions
6. Aditya, et al. (2010).
7. Government Financial Safety Nets

عملکرد منابع اقتصادی در کاهش، تعدیل یا بازیابی خود پس از وقوع شوک‌ها، تنوع منابع اقتصادی جامعه و وجود منابع مازاد پشتیبان^۱ در زمان مورد نیاز است. در دسترس بودن^۲ منابع اقتصادی، میزان واقعی منابع موجود در جامعه را نشان می‌دهد. برای مثال، نفت خام یکی از منابع مهم اقتصادی برای اقتصادهای صادرکننده نفت از جمله اقتصاد ایران محسوب می‌شود. در این شرایط، آگاهی از تحولات قیمتی نفت خام طی زمان مشخص خواهد نمود که در مواقع بروز شوک و یا عوامل تنش‌زا مانند جنگ قیمتی به چه میزان می‌توان به منابع مالی حاصل از آن اتکا داشت.

عملکرد منابع اقتصادی همانند در دسترس بودن منابع اقتصادی، عامل مهمی در کمک به مقاومت اقتصادی است. هرچه منابع اقتصادی وظایف خود را بهتر انجام دهند، به میزان بیشتری به مقاومت اقتصادی کمک می‌کنند.^۳ علاوه بر اندازه منابع اقتصادی، تنوع این منابع^۴ نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. تنوع زیاد محصولات، خانوار یا جامعه را در مقابل شوک‌های قیمتی مقاوم‌تر می‌کند. مفهوم بسیار نزدیک به تنوع منابع اقتصادی، مازاد منابع اقتصادی^۵ است که به معنای اضافه مقدار از یک مأخذ مشابه است که عملکرد یکسانی را انجام می‌دهد. برای مثال، در کشورهای واردکننده نفت، افزایش قیمت نفت به‌طور قابل توجهی بر بازار داخلی اثر خواهد گذاشت. حال، اگر کشور از ذخیره نفتی مناسبی برخوردار باشد، مقاومت آن در برابر جهش‌های موقتی قیمت نفت نیز بالا خواهد بود.

۵-۳. تسهیل‌کننده‌های تطبیقی

تسهیل‌کننده‌های تطبیقی در مقاوم ساختن کشور در مواجهه با شوک‌های اقتصادی یا عوامل تنش‌زا نقش مثبتی را ایفا می‌کند. شبکه‌ها و ارتباطات، گره‌های افقی و عمودی اقتصادی در جامعه هستند و به مقاومت ارتباط می‌یابند. جوامع مقاوم اقتصادی به‌طور معمول توسط ارتباطات قوی درون جامعه

1. Redundant Backup Resources
2. Availability
3. Longstaff, et al. (2013).
4. Economic Resource Diversity
5. Economic Resource Redundancy

شناسایی می‌شوند. در این جوامع، افراد و خانوارها به یکدیگر در زمان مشکلات و بروز شوک‌های اقتصادی و عوامل تنش‌زا کمک می‌کنند.

روابط اقتصادی عمودی که جوامع را به دولت‌ها ارتباط می‌دهند، عمدتاً به واسطه گسترش و استفاده نهاد‌های دولتی قانونی در جوامع ایجاد می‌شوند. روابط عمودی به واسطه اعتماد رشد می‌کند و می‌تواند به اعتماد بیشتر و روابط نزدیک‌تر میان دولت و شهروندان منجر شوند. مقاومت به واسطه این ارتباطات که سازوکارهای پاسخ‌دهی کارآمدتر و سریع‌تری به شوک‌های اقتصادی ایجاد می‌کنند، افزایش می‌یابد.

نگرش‌ها، رفتارها، ارزش‌ها و هنجارها، تسهیل‌کننده‌های تطبیقی اقتصادی هستند که بر روشی که جامعه با شوک‌های اقتصادی مواجه می‌شود، اثر می‌گذارند. برای مثال، فساد یک رفتار است که مقاومت را کاهش می‌دهد؛ درحالی که حس تعلق به اجتماع^۱ ارزشی است که مقاومت را افزایش می‌دهد. نوآوری^۲ به عنوان تسهیل‌کننده تطبیقی، به انگیزه و توان خانوارها، بنگاه‌ها و دولت نسبت به نوآوری در برابر شوک‌ها ارتباط می‌یابد. هنگامی که کشورها و جوامع با شوک‌های تکراری و پایداری مواجه می‌شوند، فضای خوبی برای توسعه روش‌های نوآور به‌منظور مواجهه و بهبود شوک‌ها ایجاد می‌شود.

حافظه نهادی در سیستم اقتصادی به عملکرد و روش‌های خاصی که در عادات و یا اسناد جامعه مکتوب شده، ارتباط می‌یابد. این حافظه نهادی، مزایا و خطرات یک واکنش خاص اقتصادی در مواجهه به شوک‌های تاریخی را به نسل آینده یادآوری می‌کند. هنگامی که جامعه گزینه‌های اقتصادی را انتخاب می‌کند که به تکرار خطاهای پیشین منجر می‌شود و جامعه را نسبت به شوک‌های تکراری تاریخی نامقاوم می‌سازد، همه چیز ناامیدکننده می‌شود. حافظه نهادی برای یادگیری از اشتباهات پیشین و موفق بودن در کاهش، تعدیل و بازیابی از شوک‌ها با اهمیت است. تجزیه و تحلیل حافظه نهادی می‌تواند به بررسی روش‌های گذشته در مواجهه با شوک‌ها اختصاص یابد.^۳

1. A Sense of Community
 2. Innovation
 3. Bujones, et al. (2013).

۶. جمع‌بندی

مقاومت در واقع به دنبال فهم شوک‌های سیستمی است که جامعه با آنها مواجه شده و سازوکارهایی به جوامع ارائه می‌دهد تا در برابر شوک‌ها مقاومت کنند. در بلندمدت، یک جامعه مقاوم‌تر با به‌کارگیری سازوکارهای مناسب در برابر شوک‌ها به شیوه‌ای پایدار، استقامت خواهد کرد و منابع انسانی، فیزیکی و مالی آنها در طی زمان کاهش نخواهد یافت. چارچوب ارائه شده یک ابزار عملی برای تجزیه و تحلیل مقاومت و اقدام با اولویت است که ظرفیت‌های بومی و درونزایی را برای مواجهه با شوک‌ها فراهم می‌سازد.

در حوزه اقتصاد مقاومتی استراتژی‌ها و برنامه‌ها بایستی به گونه‌ای به‌کار گرفته شوند که در صورت بروز تکانه‌های مختلف، اقتصاد با حداقلی از وقفه بتواند خود را با شرایط جدید به گونه‌ای تطبیق دهد که شاخص‌های اقتصادی به روند گذشته خود (پیش از بروز شوک) بازگشت کنند و ثبات پایدار در اقتصاد کلان کشور جریان داشته باشد.

در مجموع می‌توان بیان نمود که اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و دستیابی به نتایج آن مستلزم برنامه‌ریزی در یک مسیر بلندمدت و هماهنگی تمام دستگاه‌ها و نهادهاست؛ ولی موفقیت در این حوزه، تنها به سیاست‌های دستگاه‌های اجرایی وابسته نیست. به عبارتی همان‌طور که بیان شد، در تحلیل اقتصاد مقاومتی بایستی نهادها، منابع و تسهیل‌کننده‌های تطبیقی جامعه را نیز مد نظر قرار داد تا جوامع بتوانند در مقابل شوک‌ها مقاومت نمایند. در این ارتباط اقتصاد ایران نیز تجربیات مثبت و منفی در خصوص عوامل پیش‌گفته در ادوار مختلف کسب نموده است که به برخی از آنها در جدول ۱ (پیوست) اشاره شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود اقتصاد ایران با مشکلات ساختاری و زیربنایی قابل توجهی مواجه است که می‌توان به‌واسطه نهادهای فعال، شبکه‌ها و ارتباطات، نوآوری و هنجارهای عاملان اقتصادی، ارزش‌ها و رفتارهایی همچون حس اعتماد، حس تعلق به اجتماع، ارزشمند بودن فرهنگ کار و احترام به حقوق مالکیت، تلاش در حوزه‌های مولد را تقویت کرد و به نتایج قابل توجهی دست یافت.

در ارتباط با سیاست‌ها و اهداف سیاستگذاران در راستای اقتصاد مقاومتی همان‌طور که ملاحظه شد، دستاوردهای مقامات پولی و مالی در دولت جدید در حوزه‌های پولی، ارزی و دستیابی به رشد اقتصادی نسبت به پایان دوره دولت پیشین، چشم‌گیر است. به بیان دیگر، اقتصاد ایران با اجرای سیاست‌های جدید اقتصادی توانسته از دوران نامطلوب و بحرانی اقتصاد گذر کند و به ثبات نسبی دست یابد، ولی هم‌اکنون با موانع جدیدی از سوی کاهش قیمت جهانی نفت به عنوان اصلی‌ترین منبع درآمدی بودجه دولت و نبود تقاضا در اقتصاد مواجه شده است که در صورت در نظر نگرفتن تدابیر جدید اقتصادی، می‌تواند نتایج مطلوب اقتصادی کسب شده دولت یازدهم را تحدید نماید.

منابع

- پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری <http://www.leader.ir>
- پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران <http://www.cbi.ir>
- پیرایی، خسرو و دادور، بهاره. (۱۳۹۰). تأثیر تورم بر رشد اقتصادی در ایران با تأکید بر نااطمینانی تورم. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۱، بهار، صص ۸۰-۶۷.
- دهقان منشادی، محمد و پروین پوررحیم. (۱۳۹۲). رابطه بی‌ثباتی اقتصاد کلان و رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و یکم، شماره ۶۷، صص ۱۷۱-۱۹۲.
- Aditya Bahadur, Maggie Ibrahim and Thomas Tanner. (2010). The Resilience Renaissance? Unpacking of Resilience for Tackling Climate Change and Disasters. Discussion Paper. Strengthening Climate Resilience (United Kingdom: September, 15.
- Behrman, J., Duryea, S and Szekely, M. (1999). Schooling Investments and Macroeconomic Conditions: A Micro-Macro Investigation for Latin America and the Caribbean. Inter-American Development Bank. Mimeo.
- Briguglio, Lino. (2014). A Vulnerability and Resilience Framework for Small States. Report Prepared for the Commonwealth Secretariat, University of Malta.
- Bujones, Alejandra Kubitschek, Katrin Jaskiewicz, Lauren Linakis and Michael McGirr. (2013). A Framework for Analyzing Resilience In Fragile and Conflict-Affected Situations. Columbia University, Economic and Political Development.
- Cotis, J.-P. and Coppel, J. (2005). Business Cycle Dynamics in OECD Countries: Evidence, Causes and Policy Implications., in Kent C. and D. Norman (eds), The Changing Nature of the Business Cycle, Reserve Bank of Australia 2005 Conference Proceedings, Sidney.
- Dawley S, Pike A, Tomaney J. (2010). Towards the Resilient Region?, CURDS Working Paper , Local Economy, NO.25(8), PP 650-667.

- Devarajan, S, Swaroop, V., and Zou, H. (1997). The Composition of Public Expenditure and Economic Performance. *Journal of Monetary Economics*, P 37.
- De Weijer, Frauke. (2013). Resilience: a Trojan Horse for a New Way of Thinking? Discussion Paper, European Center for Development Policy Management, No. 7.
- Disputes over Macro Theory and Policy - McGraw-Hill. (2014). from: http://highered.mcgraw_hill.com/sites/dl/free/0070886695/37629/Macro_int01.pdf
- Duval, Romain, Jørgen Elmeskov and Lukas Vogel. (2007). Structural Policies and Economic Resilience to Shocks. Economics Department OECD Working Paper No. 567 (27).
- Easterly, W. and Kraay, A. (1999). Small States, Small Problems?, Policy Research Working Paper 2139. Development Research Group, World Bank, Washington, D.C.
- Fischer, Stanley .(1993). The Role of Macroeconomic Factors in Growth. *Journal of Monetary Economics*, Vol. 32.
- Frenkel, Jacob A. and Mohsin S. Khan. (1990). Adjustment Policies and Economic Development. *American Journal of Agricultural Economics*, Proceedings of the ASSA.
- Gerry, Christopher J., Lee, Jong- Kyu and M. Mickiewicz, Tomasz .(2008). Macro Economic Stability, Governance and Growth: Empirical Lesson from the Post-Communist Transition. UCL SSEES Centre for the Study of Economic and Social Change in Europe, Economics Working Paper No. 89, April.
- Hmelo-Silver, Cindy and Roger Azevedo. (2006). Understanding Complex Systems: Some Core Challenges. *The Journal of the Learning Sciences*, 53.
- Hill, Edward, Howard Wial and Harold Wolman. (2008). Exploring regional economic resilience. Working Paper, Institute of Urban and Regional Development, No 04.
- Ismihan, M, Metin-Ozcan, K and Tansel, A. (2005). The Role of Macroeconomic Instability in Public and Private Capital Accumulation and Growth: the Case of Turkey 1963–1999. *Applied Economics*, P 37.

- Jokipii, Terhi and Monnin, Pierre .(2012). The Impact of Banking Sector Stability on the Real Economy. Journal of International Money and Finance, PP. 1–16.
- Longstaff, Patricia, Nicholas Armstrong, Keli Perrin, Whitney Parker, and Matthew Hidek. (2013). Building Resilient Communities: A Preliminary Framework for Assessment. Homeland Security Affairs VI, No. 3, 6.
- Sameti, Majid, Rahim Dalali Esfahani and Hassan Karnameh Haghghi. (2012). Outcome of Macroeconomic Instability (A Case of Iran), Research in Applied Economics, Vol. 4, No. 1.
- Sirimaneetham, Vatcharin, Temple and Jonathan, R.W .(2009). Macroeconomic Stability and the Distribution of Growth Rates. World Bank Econ Rev, Vol. 23, No. 3, PP. 443-479.
- USAID. (2012). Building Resilience to Recurrent Crisis. Washington D.C.: USAID, No. 9.

پیوست:

جدول ۱. نمونه‌ای از تجربیات اقتصاد ایران در خصوص اقتصاد مقاومتی با رویکرد جایگاه نهادها، منابع و

تسهیل‌کننده‌های تطبیقی در تحقق اقتصاد مقاومتی

عوامل مؤثر در تحلیل اقتصاد مقاومتی	تجربیات اقتصاد ایران
نهادها	<ul style="list-style-type: none"> ✓ نکات موفق - وجود تشکل‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان حلقه واسط میان دولت و جامعه از جمله نهادهای مدنی - اجتماعی، صندوق‌های خیریه و قرض‌الحسنه‌ها ✓ نکات ناموفق - عدم تضمین مؤثر در خصوص حقوق مالکیت - وجود و گسترش مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز - ساختار نامناسب وام‌دهی در شبکه بانکی - عدم تنظیم مناسب نقش دولت و بازار در اقتصاد
منابع	<ul style="list-style-type: none"> ✓ نکات مثبت - وجود منابع عظیم نفت و گاز - قابلیت استخراج و صادرات نفت خام - تأسیس حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی - ذخیره‌سازی منابع و درآمدهای نفتی - جمعیت جوان و تحصیل‌کرده کشور ✓ نکات ناموفق - برداشت‌های مکرر بودجه‌ای از حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی - عدم شفافیت حساب یادشده و انعکاس نقل و انتقالات در بودجه - عدم تنوع در صادرات غیرنفتی و تعدد در شرکای تجاری - عدم استفاده از جمعیت جوان و تحصیل‌کرده کشور
تسهیل‌کننده‌های تطبیقی	<ul style="list-style-type: none"> ✓ نکات موفق - وجود ارزش‌هایی همچون حس تعلق به اجتماع (در دوران هشت ساله جنگ تحمیلی) ✓ نکات ناموفق - کاهش اعتماد سیاسی به‌واسطه فسادهای اقتصادی و مالی و عدم پاسخگویی دولت‌ها

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.